

# هاشیه

ماهنامه فرهنگی واجتماعی ● سال دوم ● بهمن ۱۳۹۱  
ربیع الاول ۱۴۳۳ ● ۵۲ صفحه ● ۱۲۰۰ تومان

با آثار و گفتاری از:  
آیت الله مجتبی تهرانی  
آیت الله محمد علی گرامی  
زکریا اخلاقی  
حسن رضایی مهر  
سجاد ایزددهی  
محمد مهدی رضایی  
حسین سروقامت  
سعید هلالیان

## پرونده حوزه سکولار؟!!

چرا امام خمینی سکولار نبود؟  
اشکال به خود آقایی است که کنار می نشینند  
گزارشی تاریخی از مواجهه امام خمینی با سکولاریسم حوزوی  
منظومه مسائل حوزه و نظام اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب  
زندگی وزمانه محقق کرکی (شیخ الاسلام حکومت صفوی)  
مهم ترین شبیه روزگار ما

## آشنایی با زندگی پربرکت حضرت آیت الله مجتبی تهرانی شاگرد نام آشنای حضرت امام خمینی

## طلبة ماه

فرار مغزها در حوزه  
طلبگی بدون تلویزیون ال ای دی  
ترجمه ای که به چاپ بیستم رسید  
چگونه سخنرانی کنیم؟  
گام به گام، همراه با یک تبلیغ جهادی  
مجالس شادی و عزاز را مدیریت کنید!  
خوب درس خواندن یعنی چه؟

## گفتگو با حضرت آیت الله محمد علی گرامی جزر و زامادی، هرگز دیر سر کلاسی نرفتم

### اخبار ماه



61260641 | 20017  
پاینت: ۰۰۰۰۷۳۳۰  
www.hashye.net

نگاهی به طرح جدید اصلاح نظام آموزشی حوزه  
آخرین سخنرانی مرحوم آیت الله تهرانی در جمع طلاب



## بیا بید «زیبایی های دنیای طلبگی» رابه دیگران نشان دهیم

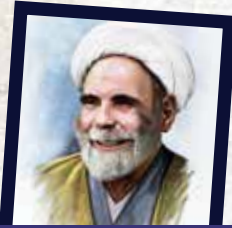
عکس های زیبایتان از حوزه محل تحصیل یا سوژه های مرتبط با طلبگی و حوزه را

جهت درج در نشریه، به سایت حاشیه ارسال کنید.

[www.hashye.net](http://www.hashye.net)

یاری تان همراهمان است

ماهنامه حاشیه همراه با طلاب جوان



**اخبار ماه**  
۱۳ - ۱۴

۱۰ ▲ **نگاهی به طرح‌های جدید  
اصلاح نظام آموزشی حوزه**

۶ ▲ **شاکر دنام آشنای  
حضرت امام خمینی**  
آشنایی اجمالی با زندگی پرپرکت حضرت آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی



**استاد ماه**  
۱۹ - ۱۴

۱۴ ▲ **جزر و دامادی،  
هرگز دیر سر کلاس نرفتم**  
گفت‌وگو با آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی گرامی قمی



**پرونده ماه**  
حوزه سکولار؟!  
۱۳۳ - ۲۰

۲۲ ▲ **منظومه مسائل نسبت حوزه و نظام اسلامی  
در اندیشه رهبر معظم انقلاب**

۲۱ ▲ **اشکال به خود آقایی است که  
کنار می‌نشینند**  
گزارشی تاریخی از مواجهه امام خمینی با سکولار بسم جوزوی



**طلیحه ماه**  
۱۳۴ - ۱۳۴

۴۰ ▲ **مجالس شادی و عزاداری مدیریت کنید!**

۳۴ ▲ **ترجمه‌ای که  
به چاپ می‌رسد**  
گفتگوی صمیمی با حجت‌الاسلام محمد مهدی رضایی

**امور چاپ**  
ناظر چاپ: امیر اشلاقی / چاپ: رواق  
نشانی: قم، بلوار پانزدهم خرداد (شاه سید علی)،  
خیابان شهید میثمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه  
اسلامی، دفتر ماهنامه حاشیه  
تلفن: ۰۲۵۱-۷۶۰۳۵۷۱-۵  
تلفن همراه: ۰۹۳۳۱۰۰۲۶۷۲  
سامانه پیامک: ۰۲۰۰۹۷۲۳۰  
**نشانی الکترونیک:**  
www.hashye.net  
**پست الکترونیک:**  
info@hashye.net



پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی  
مرکز پژوهش‌های جوان  
بانکداری حوزه علمیه امام رضا

**هنری و فنی**  
مدیر هنری: علیرضا میرز امصطفی  
صفحه آرایی و تصویرسازی: احسان حسینی  
عکاس: امیر حسامی نژاد و مصطفی معراجی  
ویراستاری: وحید حامد  
حروفچینی: حسن مؤمن آبادی  
نمونه خوانی: مرتضی خلوصی امید  
کنترل فنی: محسن افتخاری  
**اداری**  
شبکه ارتباط با مخاطب: امین جهانی  
امور اداری: اکبر جوکندی  
هماهنگی: اصغر رضایی

**صاحب امتیاز:**  
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی  
مدیر مسئول: علی اکبر رشاد  
سر دبیر: علی اصغر سهرابی  
شورای سیاست گذاری: علی اکبر رشاد، عبدالکریم  
بهجت پور، محمدباقر پورامینسی، محمدرضا زائری،  
جعفر سماوات، علی اصغر سهرابی، ابوالقاسم علیدوست،  
حسن قاسمی، محمود مقدمی و فرشاد مهدی پور  
**تحریریه**  
دبیر تحریریه: محمدعلی روزبهانی  
همکاران: سیداحمد بطحائی، رضا تاران  
ناظر کیفی: محمدحسین پورامینسی



## طلبگی بدون تلویزیون ال‌ای‌دی

فائزه اسکندری

سخن از زندگی طلبگی کمی دشوار است. تا کسی در متن چنین زندگی‌ای نباشد، نمی‌تواند از آن حرفی بزند. باید برخی سختی‌ها را درک کرده باشی و برخی حرف‌های بی‌ربط، از درآمد‌های هنگفت روحانیان را شنیده باشی تا بتوانی حرف دلت را بزنی؛ حرف نان و سرنپناه در این هیاهوی زندگی، شاید طلبه‌های نیازمندان شب باشد، ولی دست از تحصیل بر نمی‌دارد و همواره این گمان در دلش هست که اگر برای کسب درآمد به دنبال کار دیگری برود، شهریه‌اش شبهه‌دار می‌شود و آن وقت شرمندۀ امام‌زمانش. با شهریه یک طلبه، دخل و خرج زندگی به‌سختی با یکدیگر همخوانی دارد و اگر هزینه‌های اضافی برای یک طلبه پیش بیاید، باید کارهای متفرقه دیگری انجام دهد. بحرانی که گاه یک زندگی طلبگی را به سختی و مشقت می‌اندازد؛ ولی دریغ از اندکی پس‌انداز.

طلبه‌ها معمولاً زندگی مشترکشان را با وسایل لازم و ضروری برای تشکیل یک زندگی آغاز می‌کنند و اغلب هم پس از چند سال، نه وسیله‌ای کم می‌شود و نه زیاد. وقتی به خانۀ یک طلبه نگاه می‌کنی، چیزی جز ضروریات زندگی نمی‌بینی. نه از تلویزیون ال‌سی‌دی یا ال‌ای‌دی خبری هست، نه از مبلمان آنچنانی؛ نه از یخچال سایدهای ساید خبری هست، نه از ماشین ظرف‌شویی. خلاصه اینکه اصل و اساس یک زندگی طلبگی، بر سادگی و ساده‌زیستی بنا شده، مگر مواردی انگشت‌شمار.

اولیای خدا بر خلاف عموم مردم که به ظاهر دنیا چشم دوخته‌اند و سرگرم آن هستند، همواره به حقیقت دنیا می‌نگرند و به فدای خویش می‌پردازند و بدین سان همواره از بند خواسته‌های مادی گریخته و با صفای قناعت و ساده‌زیستی، روحی سرشار از معنویت را به دست می‌آورند. در حالی که برخی در انبوه تاریکی‌های غفلت و تشریفات زندگانی و آزمندی‌های آن غرق و سرگردانند. ولی پرسش این است که آیا همه کسانی که لباس اولیای خدا را بر تن دارند، این‌گونه زندگی می‌کنند یا اینکه بانه دست‌آوردن پست‌های مهم حکومتی و اداری، زندگی تجملاتی و دنیوی را در پیش می‌گیرند و به توصیه‌ها و آرمان‌های اصیل و خداپسندانه اولیای خود پشت می‌کنند؟

امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، با وجود چنین موقعیتی، همواره در مسیر زهد و ساده‌زیستی گام برداشته و در این راستا همواره بر مسئله ساده‌زیستی و زهدگرایی علما و روحانیان متعهد اسلام تأکید می‌کند: «من متواضعانه و



## حوزه‌اندیشی؛ طلاب جوان؛ حاشیه

است. بی‌شک یکی از زمینه‌های پرورش چنین نسلی، ایجاد فضایی مناسب برای تفکر و تأمل طلاب جوان در مورد مسائل حوزه در جهان معاصر است.

امروز اگر به طلاب جوان اجازه ندهیم در مورد رسالت‌های خویش و مسیری که آنها را به مستوای انجام آن وظایف‌شان خواهد رساند

بیاندیشند و دوران رشد خود را بدون چنین دغدغه‌هایی سپری کنند، قطعاً آن نسل زبده مورد نیاز حوزه، تربیت نخواهد شد.

● ثانیاً اگر ما دائماً فحامت و استواری سنت و فرهنگ حوزه را گوشزد کنیم و طلاب را دعوت به پذیرش بی‌چون و چرای آن نماییم، و هرگونه تأمل و پرسشی را مخالفت با بزرگان سلف و خلف بدانیم، هم مخالف همین سنت عمل کرده‌ایم و هم ممکن است باعث رویگردانی این نسل از گذشتگان شویم و هم زمینه ترمیم و بالندگی این سرمایه گرانبها و بی‌بدیل را از بین برده‌ایم.

حاشیه، نظر دوم را می‌پسندد و بنا دارد از این شماره، فضای مناسبی برای انعکاس تأملات و نظرات فضلا و طلاب عزیز دربارهٔ حوزه، اختصاص دهد.

امید است این عرصه، در حد بضاعت خود، زمینه‌ای برای همفکری و هم‌اندیشی دلسوزان حوزه فراهم آورد.

شرایط و نحوه ارسال مطالب برای بخش «هالی حاشیه»، در قالب دعوت‌نامه‌ای در انتهای نشریه، درج گردیده است.

چشم‌به‌راه مطالب ارسالی شما هستیم.

سر دبیر

در سرمقاله شماره قبل، از لزوم حوزه‌اندیشی و تفکر در مورد حوزه و طلبگی در عصر حاضر سخن به میان آمد. ضرورتی که متوجه تمامی آحاد حوزه، از زعمای بزرگوار تا طلاب جوان می‌باشد.

پرداختن زعما، مسئولین و کارشناسان به مسائل حوزه، امری طبیعی است و همواره بوده و هست. اما آنچه که غریب می‌نماید، حضور طلاب جوان در این عرصه است. خصوصاً که در فرهنگ حوزه، تحدیرهایی هم از چنین کارهایی وجود دارد و شاید دخالت در کار بزرگترها قلمداد می‌شود. در از نگاه حوزه، چنین نقش بسسته که اظهار نظر در مورد مسائل حوزه، مقدمات و مقدوراتی می‌طلبد که طلبه جوانی که تازه از راه رسیده، قطعاً فاقد آن است و ورود او به چنین مباحثی هم عمر و انگیزه او را ضایع می‌کند و هم در امور حوزه، اختلال ایجاد می‌نماید. لذا طلبه باید روی درس خود تمرکز کرده و توان ذهنی خود را مصروف مسائل علمی خود نماید و این امور را به اهلیش واگذارد.

در مقابل، نظر دیگری وجود دارد و آن اینکه برعکس، طلبه باید از همان ابتدا، اندیشیدن در مورد مسائل حوزه را از اولویت‌های طلبگی خود بداند. چراکه:

● اولاً هر چه پیش می‌رویم، وظایف گسترده‌تر و مشکل‌تری بر دوش حوزه می‌آید و تحولات بی‌درپی سیاسی، علمی و فرهنگی، عرصه‌های جدیدتری فراروی حوزه می‌گشاید و آن را با مسائل پیچیده‌تری مواجه می‌سازد. چنین شرایطی، حضور فعال‌تری را از حوزه می‌طلبد که این، خود متوقف بر تربیت نسلی زبده‌تر و کارآمدتر

## خشت دوم



علی اخباری آزاد

داستان «دفتر طلاب جوان»، داستان زندگی بود؛ زندگی چند جوان نیم‌پز که داشتند آرام‌آرام پخته می‌شدند.

در صورت امکان راه‌حلی بیابد. البته شاید در حاشیه آن، به دنبال ایجاد گفت‌وگو جدیدی نیز بود.

این خشت، به تدریج جای خود را در میان طلبه‌ها و استادان و بزرگان حوزه باز کرد؛ به طوری که در برخی جلسات مهم بزرگان حوزه، به مطالب آن استناد می‌شد. بعضی از استادان برجسته، بخش‌هایی از آن را در کلاس درس برای طلبه‌ها می‌خواندند و شماری از طلبه‌ها در شهرستان که دسترسی به خشت اول کمتر بود - برای تهیه مجله به مدرسه‌های دیگر سرک می‌کشیدند.

خشت، خشت اول بود؛ اما نه به معنای منفی آن که معمارش آن را کج گذاشته باشد. خشت، خشت اول بود به معنای اینکه آهای طلبه‌های جوان! بیایید مواظب باشیم که آن را کج نگذاریم.

سال ۸۶ بود که اداره امور پژوهشی طلاب، در معاونت تشکیل شد و دفتر طلاب جوان را در این اداره قالب زدند و آنرا «واحد ترویج پژوهش» نام نهادند. البته به نیت خیر؛ برای اینکه بتوانند به صورت رسمی از ایده‌ها و دغدغه‌های آن حمایت کنند. اما انگار هر چیزی را که رسمی کنند، از خاصیت می‌افتد.

پس از مدتی «خشت اول» که ارگان رسمی واحد ترویج پژوهش بود نیز، تغییر نام داد. داستان تغییر نام آن هم جالب بود.

اما دستور آمد که الا لا بد که نام خشت باید تغییر کند. اسم خشت که تغییر کرد، بهترین فرصت بود که رسالت آن نیز عوض شود. چرا که دیگر معاونت پژوهشی می‌خواست بر رسالت اصلی خود، یعنی پژوهش، متمرکز شود و جایی برای سرک کشیدن به هر مسئله طلبگی نبود؛ شاید حق هم همین بود.

اکنون دفتر طلاب جوان و خشت اول، دیگر وجود خارجی ندارند. ولی هنوز مژه آن، زیر زبان آن جوانان نیم‌پز وجود دارد. آن دغدغه‌ها هنوز زنده است. آن گرایش‌ها و افکار و رفتار، هنوز در وجود گروهی از بچه‌ها وجود دارد و این سو و آن سو پی جوی آن نیازها هستند.

نمی‌دانم اسم «خانه طلاب جوان» و نشریه «خط» به گوش تان خورده است؟

شاید «نگاه نو» نخستین دانه‌ای بود که در دفتر ذهن بچه‌ها جوانه زده بود.

نگاه نو، نام جلساتی بود که فکر می‌کنم از سال ۸۱ در زیرزمین معاونت اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد شکل گرفت.

چند تا طلبه دور هم گرد آمده بودند و درباره راه و رسم طلبگی و مطالبی که باید می‌دانستند تا مسیرشان را بهتر طی کنند، با استادان به صحبت می‌نشستند.

جلسه‌ها برگزار و به جزوه‌ها و نوارهایی تبدیل می‌شد که دست‌به‌دست می‌گشت و کسانی را نیز به جمع می‌افزود.

گذشت ...

سال ۸۲ بود که یک دفتر از معاونت پژوهشی گرفتیم و کار را در جای جدید ادامه دادیم. نام آن شد: «دفتر طلاب جوان».

از نخستین کارهایی که به آن فکر شد، شناخت افراد و سازمان‌ها و جمع‌آوری اسناد حوزه‌شناسی و بایگانی فعال تولیدات بود که ما را به سوی تشکیل «بانک اطلاعات رصد» کشاند.

کار دیگر، پیگیری طرح‌هایی همچون جشنواره و المپیاد بود که شور و نشاط طلبگی را افزون می‌کرد؛ «جشنواره علامه حلی» حاصل همان دغدغه است.

تولید کتاب‌های روشی - بینشی را نیز تجربه کردیم.

از دیگر محصولات ما، تهیه بروشورهایی بود که بعدها «به سوی پژوهش» نام گرفت. این بروشورها می‌کوشید خیلی سریع به لب مطلب اشاره کند. به عنوان مثال بگوید که چگونه مطالعه کنید، چگونه مطالعه نکنید و مسائلی از این دست.

نیاز دیگری که در فضای دفتر احساس می‌شد، وجود یک پیام‌رسان بود؛ از دل این نیاز، نشریه «خشت اول» متولد شد. خشت اول تلاش می‌کرد از طریق ارتباط‌گیری با بزرگان و استادان و مباحثه با طلبه‌ها، نگرانی‌های طلبه‌های جوان را مطرح کرده و

به عنوان یک پدر پیر، از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دهن‌شان روحنیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند و بر حذر باشند که هیچ‌وقت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان، بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیانیت است.

(صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۲-۳۴۳)

امام عزری!

جز معدودی که دنیا گرفتارشان کرده، غالب طلبه‌ها به نصیحت‌ها و توصیه‌های پدرا نه شما عمل کرده و تا آنجا که توانسته‌اند، بی‌ رغبت به دنیا و آزاده و بی‌ تکلف زیسته‌اند. زندگی‌های ساده و برخوردار از کمترین امکانات برای بیشتر طلبه‌ها، معیشت طلبگی را آشکارا نشان می‌دهد. مشکلات معیشتی، تنها به زندگی طلبگی اختصاص ندارد که بیشتر اقشار جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مشکلاتی که برای همه اقشار مردم وجود دارد؛ گرانی، تورم، درآمد پایین، بیکاری، هزینه اجاره‌بها، هزینه خوراک و پوشاک، و بالاخره هزینه تحصیل فرزندان. باین حساب مشکل طلبه‌ها در امر معیشت، آنها را تافته‌ای جداافتاده از سایر اقشار جامعه نمی‌کند.

ولسی در بسیاری از اوقات، سخن از لزوم ساده‌زیستی یا پرهیز از تجملات نیست که تنها با عمل به ساده‌زیستی و قناعت بتوان بر آنها چیره شد. مشکلاتی در زندگی وجود دارد که اگر حل نشود، زندگی را در آستانه تزلزل قرار می‌دهد. با

نرخ بالای اجاره خانه‌ها و شهریه اندک طلبه‌ها، گاه یافتن سرپناهی کوچک برای آغاز زندگی، چقدر دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. در شرایط کنونی که اقلام اولیه و ساده خوراکی، با پرش از سکوی تورم و گرانی، به اوج خود رسیده‌اند؛

چشم‌انداز حسرت‌آلود فرزند طلبه‌ای به میوه‌های تر و تازه و براق مغازه‌ها چیز عجیبی به نظر نمی‌رسد یا داستان لرزان و ناآرام پدر برای خریدن لباسی ساده برای همسر و فرزندان، جای تعجب ندارد! اینها همه تلخی‌هایی است که در زندگی

یک طلبه یا یک کارگر و حتی اقشار ضعیف‌تر جامعه ما وجود دارد. اگر چه تلخی این سختی‌ها و دشواری‌ها با عمل به توصیه‌های اخلاقی، زندگی را گوارتر می‌کند. ولی زندگی مجاهدانه سربازان مکتب امام صادق (علیه السلام) هرگز لزوم رسیدگی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی شایسته برای بهبود و رساندن وضعیت زندگی طلبه‌ها به حداقل‌های زندگی‌ای آرام‌تر و کم‌دغدغه‌تر را کم‌رنگ نمی‌کند.

این راه اگر سختی هم داشته باشد، راه پرافتخاریست که خود، آن را انتخاب کرده‌ایم و خوب می‌دانستیم که راه همواری در پیش رو نیست... بر خدا توکل کرده‌ایم و همچنان از لطف او سیرابیم.

ما زنده به آنیم که آرام‌نگیریم

موجیم که آسودگی ما عدم ماست